

الو شرق —۸۸۶۵۴۳۹۰

■ از توان بخش خصوصی برای آزادراه تهران – شمال بهره بگیریم: رسانه‌های مختلف به ویژه رسانه‌های نزدیک به دولت پروژه آزادراه خرم‌آباد – پل زال را که انتفاع کار بزرگی هم هست پوشش دادند و به آن بسیار پرداختند اما آقای وزیر و همچنین استاندار فرمودند این کار را بخش خصوصی به انجام رسانده است. ای کاش از این افراد توانمند بخش خصوصی بیشتر استفاده می‌شد. اگر ما چنین نیروهای توانمندی در بخش خصوصی داریم چرا آزادراه تهران –شمال را به سربازانجمنی‌سازیم

رحیمیان از شندآباد و کاظم از تهران ■ اگر اصلاح‌طلبید پیام مرا چاپ کنید: شما اسم خودتان را گذاشته‌اید اصلاح‌طلب؟ من چندین بار پیام گذاشته‌ام اما چاپ نکردید. از آقای جعفری‌دولت‌آبادی دادستان محترم تهران پرسیده‌ام دلیل انحلال دو حزب مشارکت و مجاهدین چیست؟ اگر اصلاح‌طلبان در این یکی دو سال اشتباهاتی داشته‌اند اصولگرایان نیز بی‌اشتباه نبوده‌اند. چه کسی می‌تواند قضاوت کند که کدام جریان بیشتر اشتباه کرده است؟ حضرت علی هم از مردم می‌خواست او را نقد کنند.

یک شهروند ■ هادی حیدری کاریکاتورها را تفسیر نکند: بعید می‌دانم که آقای هادی حیدری چنین نگاهی به کاریکاتور داشته باشند. آقای حیدری کاریکاتور را منتشر کنید و بگذارید ببینند آن خودش در مورد آن قضاوت کند. هر چند هر کسی ممکن است از دیدن یک کاریکاتور یک برداشت خاص خودش را داشته باشد اما باز بهتر از این است که شما کاریکاتورها را تفسیر کنید آن هم در برخی موارد به اشتباه...

مخاطبی از شازند اراک ■ دزدی احشام در جلوس رایج شده: نزدیک به یک سال است که دزدی احشام در منطقه ما رایج شده است. از نیروی انتظامی تقاضا داریم این موضوع را پیگیری کند و جلوی این دزدی‌ها را بگیرد. بابایی‌نژاد از جلوس ■ دستمزد ناچیز نیروهای سازمانی در شهرستان‌ها: متأسفانه نیروهای حوال‌زحمه‌ای و نیروهای برنامه‌ای و پروژه‌ای ادارات و سازمان‌هایی همچون صدا و سیما به خصوص در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها به‌رغم تلاش مضاعفی که دارند و سابقه طولانی و زحمت زیادی که می‌کشند، دستمزد ناچیزی می‌گیرند که باید مورد رسیدگی و توجه مسوولان قرار بگیرد تا آنها بتوانند زندگی و خانواده خودردالاره کنند.

محمود بلیغیان از اصفهان ■ کشورهای دیگر هم کمک می‌کنند اما نه مثل ما: کشورهای غربی هم به کشورهای دیگر کمک می‌کنند اما آنها به دولت مرکزی کشورها کمک می‌رسانند نه به گروه‌های موجود. علاوه بر آنکه آن کشورها پیش از آنکه به کشورهای دیگر کمک‌رسانی کنند به فکر مردم خود بوده‌اند. دولت هم بهتر است ابتدا به مردم جنوب کشور و مشکلات‌شان رسیدگی کند و بعد بر اساس منافع دیپلماتیک به کشورهای دیگر پول بدهد.

یک شهروند ■ طالبی‌نژاد و پوریا سرپال‌ها را نقد کنند: لطفاً از آقایان طالبی‌نژاد و پوریا بخواهید سرپال‌های «مختارنامه» و «قهوه تلخ» را نقد کنند و نقد ایشان را منتشر کنید.

مخاطبی از تهران ■ تغییر مسجد وقفی سپهسالار واکنش به جریان‌های تندرو بود: من بچه سر چشمه و خیابان عین‌الدوله هستم. درباره چگونگی تغییر مسجد موقوفه سپهسالار به مدرسه عالی شهید مطهری که همزمان با شهادت استاد مطهری بود و مقرر شد نام مسجد سپهسالار تغییر کند، به یاد دارم دو نفر به صراحت مخالفت کردند؛ یکی مرحوم آیت‌الله طالقانی و دیگری دکتر گزاده‌غفوری که همان زمان در مسجد سپهسالار کلاس داشتند و با این موضوع مخالفت کردند. به نظر من در برابر افراد تندروی که استاد مطهری را به شهادت رساندند طرف مقابل نام یک موقوفه را تغییر داد.

علیرضا از تهران ■ سابقه «ترامادول» به سنگ سعید سگ‌باز نمی‌رسد: از دوستداران نوشته‌های آقای احمد غلامی هستم. خواستم به ایشان یادآوری کنم «ترامادول» ده سا تبلیغ را می‌فهمند. شما خودتان قضاوت کنید عطلیی که درباره تغذیه و در صفحه جامعه نوشته شده است آیا یک کار حرفه‌ای است؟ آیا این مصاحبه جز آنکه می‌تواند تبلیغی برای یک سیایت باشد چیز دیگری است؟ جز اینکه نام موسسه و سایت را بزرگ نوشته‌اید و گفته‌اید مصاحبه‌شونده رئیس بهسایت ایران است چه مطلبی دارد که به درد خوانندگان بخورد؟ فقط یک جمله «هدفمند کردن یارانه‌ها سوء‌تغذیه را تشدید می‌کند» و بقیه مطلب تبلیغ سیایت مذکور است. هرچند از خانم دکتر شیخ‌الاسلام که من از شاگردان ایشان بودهام بعید است این طور درباره آمار قضاوت کنند و آمار اثبات‌شده بدهند.

یک پزشک از تهران ■ حرفه‌ای باشید، تبلیغ نکنید: صفحه آخر «شرق» صفحه موقفی است. از مطالب آقایان غلامی و میرفتح سبازگرمز ام می‌خواهم بگویم مردمان ده سا تبلیغ را می‌فهمند. شما خودتان قضاوت کنید عطلیی که درباره تغذیه و در صفحه جامعه نوشته شده است آیا یک کار حرفه‌ای است؟ آیا این مصاحبه جز آنکه می‌تواند تبلیغی برای یک سیایت باشد چیز دیگری است؟ جز اینکه نام موسسه و سایت را بزرگ نوشته‌اید و گفته‌اید مصاحبه‌شونده رئیس بهسایت ایران است چه مطلبی دارد که به درد خوانندگان بخورد؟ فقط یک جمله «هدفمند کردن یارانه‌ها سوء‌تغذیه را تشدید می‌کند» و بقیه مطلب تبلیغ سیایت مذکور است. هرچند از خانم دکتر شیخ‌الاسلام که من از شاگردان ایشان بودهام بعید است این طور درباره آمار قضاوت کنند و آمار اثبات‌شده بدهند.

رضایی از شازند

با امریکایی‌ها به توافق رسیده بودیم – بخش اول

ادامه از صفحه اول

طباطبایی از مذاکرات فشرده خود با وارن کریستوفر معاون وقت وزیر امور خارجه برده برمی‌دارد و از توافقی با دولتمردان امریکا سخن می‌گوید که می‌توانست سرنوشت آن حادثه را به خیابانی دیگر بکشاند؛ توافقی که در کوران حوادث آن روز خفه شد و تا امروز به مثابه یک راز سر به مهر در سینه او مانده است. روایت صادق طباطبایی از آن روزها خواندنی است. —

–تاکنون روایات بسیاری از این ماجرا نقل شده که یک روایت از طرف گروگان‌ها، یک روایت از سوی گروگانگیرها و یک روایت نیز از سوی ابراهیم یزدی به عنوان وزیر خارجه وقت بیان شده است اما مطمئناً از طرف شما نیز به عنوان سخنگوی دولت موقت می‌تواند روایت متفاوتی وجود داشته باشد. روایت دکتر طباطبایی از این اتفاق چیست؟ از آن خبر اشغال سفارت را شنیدید کجا بودید و چه شنیدید؟ دیپلماسی شما چه بود؟ چه کردید؟

من در جلد چهارم خاطرات خود مفصل به این مساله پرداختام که البته در یک چارچوب گسترشده تر مساله را مطرح و بررسی کردم که آن‌شاءالله منتشر خواهد شد. من در خاطراتم روی این موضوع بر سه محور تاکید کردم: نخست پیش‌زمینه‌های گروگانگیری و کیفیت حادثه‌ای که رخ داد، دوم شرح وقایع و حوادث تمامی مدت گروگانگیری و بررسی متصفانه واقع‌گرایانهٔ تباتنی که این عمل در پی داشت و محور سوم بررسی شرایط و عواملی که بعد از ۴۴۴ روز متجر به آزادی گروگان‌ها شد. در این فرصتی که به من دادید به طور بسیار مختصر از زاویه دیگر به قضیه نگاه می‌کنیم، البته شاید اینجا یک بحث مقدماتی لازم باشد که به جنایات و مداخلات امریکا در ایران پرداخته شود. مساله حضور ۵۰ هزار مستشار نظامی امریکا در ایران، مساله کوچکی نیست. مساله کاپیتولاسیون و سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی در ایران، حضور و نفوذ یی‌جی‌اسرائیل در ایران، خرداندن امور دربار و تعیین تکلیف برای دولتمردان نظام شاهنشاهی و نظایر آن عین بحث بسیار دارد. تحرکات نامرئی و ساختن و پرداختن گروهک‌های سیاسی و دخالت در امور مرزی و اغتشاشات قومی پس از انقلاب هم مسائل اساسی هستند که باید به عنوان پیش‌زمینه اشغال سفارت مورد بحث قرار گیرد که البته آن مجال برای طرح آنها کافی نیست.

این مطلب را هم مقدمه‌ای بگویم که سفارت امریکا قبل از این ماجرا دو بار توسط چریک‌های فدایی خلق اشغال شده بود که بار هلی طی چند ساعت به ماجرا پایان داده شد. یک بار در دی‌ماه ۵۷ قبل از پیروزی انقلاب و یک بار هم در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ یعنی دو روز بعد از پیروزی انقلاب که این بار توسط نیروهای مسلح کمیته‌های انقلاب و با حضور نماینده دولت موقت به گروگانگیری خاتمه داده شد. در پی این دو حادثه، و برای جلوگیری از وقوع حوادث مشابه، تصمیمی از کمیته انقلاب اسلامی تهران در محل سفارت به سرپرستی جوانی به نام ماشالله قصاب تشکیل شد. این کمیته به دلیل مسائل ناگواری که خلاف مصالح انقلاب و نظام تازده‌ای اسلامی به وجود آورد- که شرح آن در این گفت‌وگو نمی‌گنجد و من جزئیات آن را با مستنداتش در جلد چهارم خاطرات خود آوردم- در مردادماه ۱۳۵۸ به دستور آیت‌الله مهدوی‌کنی سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی و ظاهراً بنا به درخواست وزیر خارجه وقت منحل شد.

–از صبح ۱۲ آبان که دانشجویان به سفارت حمله کردند تا ۴۸ ساعت امن سکوت می‌کنند. در آن ۴۸ ساعت چه اتفاقی رخ داد؟ دولت موقت استفاده داد، سقوط کرد، این نخستین بار نبود که دولت موقت استفاده می‌داد، این بار استفاده بدفرته شد و امام نیز حرکت را تایید کردند. در آن ۴۸ ساعت چه رخ داد؟ چه کردید؟ برای حل واقعه چه کردید؟

مسائل دولت موقت و شخص و شخصیت شامل مشکلات اجرایی کشور و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و عدم هماهنگی با نهادهای انقلاب و با شاخه‌هایی از روحانیت و نیز بحران‌های ناشی از اینها از خیلی قبل شروع شده بودند، که چند بار مهندس بازرگان را به استفاده‌داشتنه بود که البته هر بار هم با مخالفت امام مواجه می‌شد.اما توفیق کامل سه مرتبه منس بازرگان لبریز شد و او را برای استعفا‌ی قطعی مصمم‌تر کرد که البته من دو ساعتی با ایشان صحبت کردم و نظرم بر این بود که نباید استعفا بدهند چراکه شرایط را برای استعفا‌ی مهندس بازرگان مناسب نمی‌دیدم.

–یعنی شما مخالف استعفا‌ی مهندس بازرگان بودید؟ در آن مقطع من مخالف بودم و پیشنهادم این بود که طرح مساله استعفا‌ی خود را با امام، با شرح مبسوط دلایلی که دارن در باره این هفته بعد بگذارند.

–چقدر در خصوص این استعفا در دولت بحث شد و آیا مهندس بازرگان راساً به استعفا تصمیم گرفتند یا هیات دولت نیز پشتیبان‌شان بود؟

وقتی که من گزارش کامل اوضاع و شرایط سفارت را به ایشان دادم خیلی عصبانی شدند و گفتند با این وضع که نمی‌شود کار کرد و استعفا‌ی مهندس داد. در آن لحظه هنوز مساله در هیات دولت مطرح نشده بود. آقای دکتر یزدی وزیر خارجه در آن هنگام در مسافرت بود و با تماس با دفتر من گفته بود که سفر خود را ناتمام گذاشته و در حال بازگشت به تهران است. به آقای مهندس بازرگان گفته بهتر است تا بازگشت وزیر به خارجه صبر کنند و بعد در جلسه معاونان و پس از آن در هیات دولت مساله را طرح کنند.

صبح روز بعد جلسه معاونان در دفتر کار نخست‌وزیر تشکیل شد و آقای دکتر یزدی هم تازه از راه رسیده بود. آقای بازرگان تصمیم خود را به استعفا داد که دلایل مطرح کرد‌آقای یزدی گفت اجازه دهید من به روز‌تازه‌تبره و اوضاع را بررسی کنم و بعدازظهر در جلسه هیات‌وزیران نظرم را اعلام کنم. این لحظه بود که آقای بازرگان با لحنی عصبانی گفت لو خیال می‌کنی وزیر خارجه هستی؟ سیاست خارجی در جای دیگر دارد رقم می‌خورد و دانشجویان تصدی آن را دارند. به هر صورت قرار شد آقای نخست‌وزیر تصمیم قطعی خود را مبنی بر استعفا در جلسه شامگاهی هیات‌وزیران مطرح کنند ولی متن کتبی استعفا‌ی ایشان را همان روز آقای مهندس ابوالفضل بازرگان در قم به امام بدهد. از آنجا من به قم رفتم و امام را در جریان این چهار شرط را امام معین کردند، گفتم اگر واقعاً ایشان تصمیم قطعی برای استعفا دارند، که با بیان دلایل و مسائل و مشکلات نخست‌وزیر آن را تایید کردم. بعد گفتند باید موضوع را با شورای انقلاب در میان بگذارند. من به تهران بازگشتم و عصر همان روز امام متن استعفا‌ی کتبی مهندس را دریافت کردند.



–چرا در مورد‌های قبلی امام استعفا‌ها را نمی‌پذیرفتند؟

به واقع در آن شرایط عقیده همگان بر این بود که کسی غیر از مهندس بازرگان نمی‌تواند عهده‌دار چنین مسئولیتی شود و شرایط پیچیده سیاسی و اقتصادی و مالی مملکت را پس از دو سال بحران‌های مربوط به انقلاب و چندین ماه قطع صادرات نفت و خزانه خالی دولت و مسائل کارگری ناشی از تحریمات چپی‌ها و... اداره کند. من در خاطراتم به تفصیل به شیوه مدیریتی جامع و انضباط فوق‌العاده و در عین حال بلندنگری توام با دقت و رافت و نیز تقوای مثال‌زدنی مهندس بازرگان پرداخته‌ام.

–اما این بار شرایط بسیار بحرانی بود، چرا استعفا پذیرفته شد؟

آقایان بهشتی و هاشمی‌رفسنجانی به همراه بعضی از اعضای شورای انقلاب به قم رفتند و به این نتیجه رسیدند که دیگر نباید بیش از این بر مهندس بازرگان فشار آورد و ایشان مدتی است که می‌خواهند استعفا بدهند و... این‌ا اظهارات بر موافقت نهایی امام تاثیر گذاشت. من نیز همان روز که در قم با ایشان صحبت کردم به ایشان گفتم همان‌طور که خود شما شاهد هستید از دو ماه پیش مشکلات آقای بازرگان را به شما می‌گفتم و در حقیقت از دو ماه پیش باید ایشان استعفا می‌داد. ایشان از رفتارهای دوگانه انتقاد دارند و من نیز موافق نظر ایشان هستم که دست‌هایی در کار هستند که نیروهای ملی و روشنفکر دینی غیرورواحنی را از روحانیت جدا کنند و برای همین صحنه‌سازی می‌کنند، حادثه‌آفرینی می‌کنند و متأسفانه این جریان در میان برخی از شخصیت‌های برجسته روحانی هم نفوذ کرده و موفق هم شده است. مستندات بسیاری برای شرح و توضیح این مطالب دارم که اینجا مجال طرح آنها را ولو به اختصار نمی‌بینم. در جلد چهارم خاطراتم همه اینها را آوردم که آن‌شاءالله منتشر خواهد شد.

بد نیست این نکته را هم اینجا اضافه کنم که احدیفاً از پی این رخداد و آگاهی از تصمیم آقای بازرگان و برنامه شورای انقلاب، بلافاصله به تهران آمد. ابتدا به سفارت‌خانه رفت و با دانشجویان گفت‌وگو کرد و بعد به دفتر من آمد و با هم به دیدار آقای بازرگان رفتیم. ایشان هم به مهندس توصیه کرد استعفا‌ی شما در این روزها به صلاح شما و کشور نیست، بگذارید چند روز تنهایی اولیه فروکش کند و آنگاه با ذکر دلایل و مسائلی که در نظر دارید، این تصمیم را عملی کنید. ولی آقای نخست‌وزیر بر تصمیم خود پابرجا ماند. پس آن به دفتر من آمدم و ایشان تقریباً تا نزدیکی‌های غروب در دفتر من بود و با تماس‌های مختلف می‌کوشید به نوعی مانع از تنش‌های شدید میان دو طرف شود.

–برگردیم به جریان گروگانگیری، بر خورد شما با آن چگونه بود و با توجه به نزدیکی‌ای که به بیت امام داشتید برای حل آن چه کردید؟ اگر بخواهم به قسمت اول سوال تان بپردازم، لازم است شرح مبسوطی را از پیش‌زمینه‌های گروگانگیری و مجار‌های مهم آن رخداد و تحولات وسیعی که صورت گرفت، بگویم که در اینجا مجال آن فراهم نیست. اما در این مجال مختصر به قسمت دوم سوال تان می‌پردازم. حتماً می‌دانید که امام در اسفند ۱۳۵۸ حل مساله گروگان‌ها را به مجلس واگذار کردند، ولی تا شهریور ۱۳۵۹ مجلس به دلیل مسائل مختلف و پس از آن با شروع جنگ تحمیلی... و به این می‌پردازد.

در یک مقطعی-اواخر تابستان- من احساس کردم کسی به فکر این گروگان‌ها نیست. به همین دلیل روزی به حاج‌سیاحمدی‌ا‌ا گفتم شما مثل اینکه فراموش کرده‌اید که گروگان‌هایی نیز دارید. ایشان گفتند می‌گویم ما چه کنیم. امام کار را به مجلس سپرده است و آنها باید اقدام کنند. گفتم شاید مجلسی‌ها حال‌احالاه‌با به این امر نپردازند، اینکه نمی‌شود. سپس گفتم خب بنشینیم قه‌ری کنیم، شرط و شروطی بگذاریم. به احمدی‌ا‌ا رفتم پیش امام و گفتم آقای ح‌س‌ن‌آقای حافظ ر‌اس‌د و قدر‌دانی از پیام محبت‌آمیز آن مرحوم گفتند: «هن حل این مساله را به مجلس شورای اسلامی واگذار کردم و قرار است آنها به این موضوع بپردازند.» همچنین آقای اولف پ‌المه نخست‌وزیر مس‌ئله نیز مایل به انجام این میان‌جیگری بود که با جواب مثبتی از سوی مقامات ایران مواجه شده بود. به هر حال وقتی این موضوع را از سفیر آلمان شنیدم به ایشان گفتم تا چند ساعت دیگر جواب شما را خواهم داد. به منزل خواهرم ر‌ق‌تم و به اتفاق احمدی‌ا‌ا فردا نامز رفتم و مساله را به اطلاع ایشان رساندم. امام پرسیدند چه راهی به ذهن شما می‌رسد؟ من گفتم اگر شما در دیدار عمومی بعدی که چند روز دیگر خواهید داشت، به این مساله بپردازید و چهار شرط خود را بیان کنید، من امروز به آنان خواهم گفت منتظر بیانات شما در فلان روز باشید. زمانی که آنها شرایط شما را شنیدند مطمئن خواهم شد من سرخود و بدون موافقت شما گامی برنداشتم. امام پذیرفتند و من هم همان شب تاریخ دیدار عمومی امام و نیز مطلبی را که در مورد حل بحران خواهند گفت به آقای دکتر ریتسل اطلاع دادم. روز بعد ایشان به من گفت این نشانه برای آقای کارتر کافی بوده است و طی نامه فرستاد که روز آینده گروهی را به

سیاست

با امریکایی‌ها به توافق رسیده بودیم – بخش اول

سرپرستی آقای وارن کریستوفر معاون وزیر خارجه امریکا به بن خواهد فرستاد.

در هر صورت من به بن ر‌ف‌تم و با این هیات در دو نوبت دیدار کردم. حواشی جالبی از این دیدار قابل ذکر است که البته در این مجال نمی‌گنجد. سخنگوی کاخ سفید- که در جلسه حاضر بود- و نیز آقای گ‌ش‌تر و کسان دیگر برخی نکات را از این دیدار در خاطرات خود آورده‌اند و من هم به تفصیل در کتاب خود شرح داده‌ام. نتیجه این جلسه که با حضور وزیر خارجه آلمان و معاون خاورمیانه‌ای ایشان (آقای شلاگ این وایت) و هیات پنج‌نفره امریکایی و من برگزار شد؛ پذیرفتن تمامی شروط ما از سوی هیات بود که قرار شد نتیجه را به پرزیدنت کارتر اطلاع دهند و در صورت موافقت، ایشان متن توافق‌شده را امضا کرده و به من بدهند.

در ضمن بحث در مورد امام شاه‌ من به آقای کریستوفر گفتم افرادی حقیقی در امریکا هستند که طی قولنامه‌ای محرمانه هر کدام مقداری از اموال شاه را سرپرستی می‌کنند، جایی نمی از شاه نیست، چگونه می‌شود به این اموال دسترسی پیدا کرد و با ارائه مستندات آنها را بلوک‌ه و ضبط کرد؟ ایشان گفتند به لحاظ قوانین امریکا این کار عملی نیست. خلاصه پس از گفت‌وگوهای بسیار قرار شد وزارت خزانه‌داری امریکا طی اطلاعیه‌ای از افراد حقیقی‌ای که حافظ اموال شاه هستند بخواهد به مقامات مربوطه مراجعه کنند و اموال تحت اشراف خود را گزارش دهند تا راه‌های قانونی مورد نظر شود.

در روز بعد آقای شلاگ اینوایت متن توافقنامه را که در ۲۵ صفحه تنظیم شده و به امضای پرزیدنت کارتر رسیده بود، به دوسلدورف آورد و به من تحویل داد. البته تمامی این قول و قرارها به ضرب‌الاجل تاریخ انتخابات امریکا اواسط اکتبر- دهه هزاران شهید است- که گ‌ره خورده و پس از آن فاقد ارزش بود چون در آن صورت با شکست انتخاباتی کارتر، که بسیار محتمل بود، دولت آینده باید در آن مورد تصمیم می‌گرفت که حسب تحلیل و تفسیر و مصلحت‌اندیشی‌های ما خلاف مصالح‌مان بود.

روز بعد زمانی که من در فرودگاه دوسلدورف عازم پرواز به تهران بودم با عدم صدور اجازه پرواز از برج فرودگاه مواجه شدم. بعد از یکی دو ساعت که از این تاخیر گذشت در پاسخ به اعتراض من مقام دولتی‌ای که مرا تا فرودگاه بدرقه می‌کرد با جایی تماس گرفت و بعد با ابراز ناراحتی شدید گفت علت عدم اجازه پرواز برای هوپمایی شما مشکلی است که در فرودگاه مهرآباد تهران رخ داده است. پس از کمی مکث گفت فرودگاه تهران توسط هوپما‌های عراقی بمباران شده و آسمان ایران ناامن است. بله، روز س‌سی و یکم شهریور هم و جنگ شروع شده بود. با شروع جنگ من به ناچار چند روزی در آنجا ماندم تا سرانجام فرمانده نیروی هوایی وقت طی تماسی تلفنی به من گفت اگر ساعت ورود دقیق‌تر مرا به فضای هوایی ایران بداند با جت‌های نیروی هوایی مرا از مرز تا مهرآباد اسکورت خواهد کرد. همین کار را کردیم.

بلافاصله پس از ورود با مرحوم احمدی‌ا‌ا نزد امام رفتیم و من گزارشی از گفت‌وگوها و توافقات انجام‌شده را به اطلاع ایشان رساندم و روز بعد در دیدار با آقای هاشمی رئیس وقت مجلس متن امضا‌شده توافقنامه را به ایشان دادم و قرار شد در دستور کار مجلس قرار گیرد. در همان حال به ایشان گفتم اعتبار این توافقنامه مشروط به رعایت ضرب‌الاجل تاریخ انتخابات امریکاست.

با شروع جنگ تحمیلی مسائل و شرایط تغییر کرد. عده‌ای از نمایندگان مجلس با این باور که امریکا در تحریک عراق به این جنگ دخالت داشته است که سال‌ه گروگان‌ها را از نوعی تسلیم سیاسی دانسته و خواهان به تعویق انداختن آن بودند. در عین حال اکثریت نمایندگان و نیز دیگر مقامات حکومتی خواهان پایان دادن هرچه سریع‌تر به این مساله بودند. به‌رغم همه اینها در طول شهر یوماه کار جدی‌ای روی این مساله مساله صورت نگرفت تا اینکه مجلس بررسی موضوع را به کمیسیون ویژه‌ای به ریاست آقای خونی‌ها‌ی واگذاشت. گزارش این کمیسیون در جلسه غیرعلنی روز چهارم آبان ۵۹ توسط آقای خونی‌ها‌ی قرائت شد ولی زمانی که می‌خواست رای‌گیری صورت گیرد با بیرون رفتن تعدادی از نمایندگان مجلس از د‌نصاب لازم خارج شد. جیمی کارتر در مصاحبه تلویزیونی‌ای که روز ششم آبان‌ماه با ریگان داشت، اظهار کرده بود امریکا متعهد می‌شود به محض آزاد شدن گروگان‌ها لوازم نظامی خریداری‌شده ایران که در زمان شاه صورت گرفته و در پی پیروزی انقلاب و حوادث پس از آن به ایران ارسال نشده بود به ایران تحویل داده شود.

بالاخره با برگزاری چند جلسه ناموفق و فشار این و آن و حتی توصیه دفتر امام، مجلس در مورخه یکشنبه ۱۱ آبان‌ماه- دو روز مانده به انتخابات امریکا- در یک جلسه علنی گزارش کمیسیون ویژه را مشتمل بر چهار ماده تعیین‌شده از سوی امام با اکثریت آرا تصویب و به دولت آقای رجایی ابلاغ کرد. در اینجا بود که خبردار شدم آقای نخست‌وزیر به پیشنهاد تنی چند از دوستان- که نفهمیدم چه کسانی بودند- تصمیم گرفته است اجرای مصوبه را به آقای بهزاد نبوی به‌رغم میل ایشان واگذار کند تا با کمک دولت الجزایر وارد گفت‌وگو با امریکایی‌ها‌شده و مقدمات آزادی گروگان‌ها و کیفیت تحقق تعهدات امریکایی‌ها را به سرانجام برساند.

مرحوم احمدی‌ا‌ا ق‌م پرسید آیا مایل هستم به همراه هیات مذکوره به سرپرستی آقای نبوی راهی الجزایر شوم. من که دلیلی برای این تصمیم نمی‌دانستم و در عین حال مطمئن بودم با این کیفیت کار آن چیزی که امریکایی‌ها در نامه‌ای با امضای ایشان کارتر متعهد انجام آن بودند، محقق نخواهد شد به سوال آقای جواب منفی دادم.

– بالاخره چه شد؟ همان طور که همه می‌دانند مذاکرات الجزایر آنقدر به طول انجامید تا انتخابات امریکا تمام شد و پرزیدنت ریگان وارد کاخ سفید شد. هنگامی که ریگان پیروز آمده برای ادای سوگند می‌شد، اعلام شد گروگان‌ها تا لحظاتی دیگر فرودگاه مهرآباد را به قصد فرودگاه فرانکفورت ترک خواهند کرد.

– بالاخره آن چهار شرط و کیفیت نهایی کار و انجام تعهدات امریکا به چه صورت شد؟ با قراردادی یا به اصطلاح بیبانه‌ای به هم امضای دو طرف رسید...

– چرا می‌گویید به اصطلاح بیبانه؟ همان طور که این هیات امضا کردند قراردادی نمی‌امیند باید طبق قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسید ولی دادن عنوان بیبانه به آن نوعی دور زدن طرح آن در مجلس بود.

ادامه از صفحه اول

به گزارش ایسنا، به این ترتیب محسن روح‌الامینی در این نشست با بیان اینکه تنها در ۱۶ ماه گذشته به دلیل درگیری با مسائل حقوقی به درستی نتوانستم از ۱۳ آبان ۵۸ دفاع و سخنرانی کنم، تصریح کرد: دانشجویان و جوینندگان حقیقت نباید تنها به جلسات اینجبینی و سخنرانی اکتفا کنند، چراکه برای ارق حقیقت باید اسناد تاریخی و روایات دسته اول را در وقت که زمان زیادی از آن نگذشته، بررسی کرد. وی سپس به حوادث سال گذشته اشاره کرد و گفت: با وجود اینکه حوادث سال گذشته را دنبال می‌کردم، اما بعد از دیدن جزاه پ‌سرم با دو نفر تماس گرفتم؛ با یکی از دوستانم از او خواستم مرا راهنمایی کند تا چه کنم و دومین تماس را با بیت رهبری گرفتم که جان و مال ما همه فدای انقلاب و امام و رهبری باد، اما پیچه‌های مردم را دریابید. وی ادامه داد: این دستاوردها از همه ما و فرزندان ما عزیزتر است زیرا این انقلاب حاصل تلاش‌های چندین ساله و خون هزاران شهید است که تا این نگاه مسائل سال پیش را نظاره کردم، تاکنون نیز گفته و ناگفته‌های زیادی وجود دارد که نیازی هم نیست همه را همین الان بگویم. این فعال سیاسی افزود: بعدها می‌توان مسائل سال گذشته را با فراغ بال بهتر پی‌ریخت ولی دست الان نمی‌توانم همه حرف‌ها را با س‌ند بگویم. ولی دست عوامل خارجی مطمئناً وجود داشت و شواهد و قرائن نیز گویای این امر است که عده‌ای می‌خواستند کشور را به بن‌بست برسانند و آن اتفاق‌ها نقطه مش‌تر که همه مخالفان نیزست جمهوری اسلامی شده بود. وی معتقد است: اگر فرزندان ما کشته نمی‌شدند، باید این احتمال را داد که مرگ هزاران نفر رقم می‌خورد که مطمئناً کشته شدن فرزندان ما از این اتفاقات جلوگیری کرده. وی در عین حال با بیان این عقیده که «حوادث سال گذشته موجب افزایش هزینه‌ها شد»، تصریح کرد: «اینکه فضا آنتی‌شیع می‌شد وضیعت را بهتر مدیریت کرد، صحیح است، اما نباید اصل و فرع را با هم یکی کرد، البته سوءمدیریت موجب این اتفاقات شد. روح‌الامینی با انتقاد شدید از فرستادن بازداشت‌شدگان به کهریز گفت: وقتی دلیل را این پرونده را پیگیری کردیم که قتل عمد در کهریزک به تایید دادگاه رسید، اما به دلایلی از مجرمان گذشتیم. وی با اشاره به اینکه «نظام محتمل ضربات زیادی شد و با مقاومت ح‌لم را پیشه کرد»، افزود: فرستادن فضا دوباره آرام می‌شود و نشاط سیاسی – که از دستاوردهای اصلی انقلاب ماست- در حال شکل‌گیری دوباره است. این فعال سیاسی خاطرنشان کرد: در صورتی که همه چیز را بیاسیم با افراط و تفریط در یکدیگر قفل کنیم، مسیری نادرست و مقابل رهبری که فرمانده جذب حداکثری و دفع حداقلی را پیش گرفته‌ایم. در صورتی که گر حکم شود که س‌ست گیرند ا در شهر هر آن که هست گیرند، و این فضا نیازمند اصلاح است. وی در ادامه در پاسخ به سوالی مبنی بر اختلاف نظرها با احمدی‌نژاد اظهار کرد: بخوانو اولگرایان مشترکات زیادی دارند اما اگر اختلاف نظری هست بر سر اداره امور کشور است ولی به خاطر اندک اختلاف سلیقه نباید دیگران را متهم کنیم زیرا مواضع من کاملاً روشن است و همان سال گذشته هم گفتم بهتر بود ایشان دیگر وارد صحنه نمی‌شدند و به همان چهار سال اول کفایت می‌کردند.

برنامه بازدید مجلس از زندان‌های غیرامنیتی
بازدیدها از اوین و رجایی‌شهر تداوم نیافت تا امروز سبحانی‌نیا بازدید اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی را مشایبه بازدیدهای سال گذشته داد و آن را شامل بازداشتگاهی بداند که تحت امر نهادهای امنیتی نیست. بعد از حوادث انتخابات سال گذشته، اخباری که از وضعیت نامناسب برخی بازداشتگاه‌های آمد باعث تشکیل کمیته حقیقت‌یاب مجلس از سوی رئیس مجلس شد و در برنامه و بررسی‌های آنها، بازدید از زندان‌ها هم در دستور کار قرار گرفت، اگرچه گزارش‌های کامل این کمیته در آن مقطع رسانه‌ای نشد و بیرون نیامد. حالا امروز وقتی صحبت از بازدیدها می‌شود عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس آن را بررسی وضعیت کمی و کیفی می‌داند.

امروز وقتی سخن از بازدید دوباره برخی از نمایندگان مجلس از زندان‌های کشور به میان می‌آید، سبحانی‌نیا به نمایندگی از دیگر هم‌طیفان خود برای اجلاس خط قرمزی متصدی شود و آن را شامل برخی از زندان‌های خاص بداند. آخرین بازدید اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس سه‌شنبه هفته گذشته بود که از زندان قزل‌حصار صورت گرفت که سبحانی‌نیا این بازدید را هم بر اساس درخواست دستگاه قضایی دانست و با تصریح اینکه این بازدید حدود چهار تا پنج ماه پیش هم انجام شده بود، هدف از این اقدام را بررسی وضعیت کمی و کیفی قزل‌حصار و کمک‌هایی دانست که کمیسیون از نگاه امنیتی و سیاسی می‌تواند انجام دهد. نماینده تنیسپور در مجلس به ابتدا گفت: متکم است از برخی زندان‌های دیگر نیز بازدیدی مثل قزل‌حصار صورت بگیرد. در بازدید آخر مجلسیان از قزل‌حصار طبق گزارشی که آمد رئیس سازمان زندان‌ها به طرح موضوعاتی همچون کمبود اعتبار و بودجه کافی برای ارائه تسهیلات و خدمات رفاهی در زندانگاه قزل‌حصار پرداخت و عنوان کرد: نامتگاه قزل‌حصار از نظر وسعت و جمعیت کفیری در سطح کشور شاخص است و کمبود امکانات اولیه مانند گاز شهری، ایستگاه آتش‌نشانی و کمبود اعتبار، تسهیلات برای جذب نیروی انسانی دچار مشکل است. سبحانی‌نیا همچنین با تصریح اینکه در کشورهای دنیا به ازای هر سه زندانی یک نیروی زندانبان صرفاً جهت نگهداری زندانبان وجود دارد، به مقایسه آن با ایران پرداخت که به علت وجود نداشتن نیروی انسانی کافی علاوه بر شغل زندانبانی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی، آموزشی، تبلیغاتی، س‌مدکاری، بهداشتی، مراقبتی، امنیتی و... فعالیت می‌کنند. اعضای کمیسیون امنیت ملی از اندرزگاه‌های ۸ و ۳ نامتگاه قزل‌حصار بازدید کرد. در این اوصاف به نظر می‌رسد خبری که فارس روی خروجی خود قرار داده مبنی بر اینکه اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی قرار است به زودی از برخی از زندان‌های کشور بازدید و گزارشی در این زمینه آماده کنند، نیز در راستای مشکلات رفاهی و بودجه‌ای و اعتباری زندان‌های غیرامنیتی باشد.